

بررسی برخی از عوامل مؤثر بر باروری در شهر نهاوند

کاووس احمدوند

کارشناس ارشد رشته‌ی جمعیت‌شناسی

از دانشگاه تهران

مقدمه:

- شمار جمعیتی که هم اکنون در سطح جهان پراکنده است از مرز پنج میلیارد نفر تجاوز کرده است. پراکندگی این جمعیت در نواحی مختلف جهان به گونه‌های متفاوتی است. سطح باروری‌ها نیز در نواحی مختلف متفاوت است. زیرا این جمعیت پراکنده‌ی انسانی موقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گوناگونی دارند. در گذشته برخورد با مسئله‌ی باروری بیش‌تر صبغهی بیولوژیکی داشت. ولی از زمانی که ایده‌ی کنترل موالید مطرح شده باروری علاوه بر بُعد بیولوژیکی به‌عنوان یک پدیده‌ی فرهنگی-اجتماعی و رفتاری شناخته‌شده است.

در زمینه‌ی باروری دو جبهه‌ی کلی در جهان وجود دارد: کشورهای جهان سوم و کشورهای پیشرفته. کشورهای جهان سوم به‌رغم تفاوتی که به لحاظ اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی با یکدیگر دارند دارای وجوه مشترکی هستند. این کشورها در مراتب مختلفی از توسعه‌ی صنعتی، بهداشتی کشاورزی و... قرار دارند. اما به لحاظ وجوه اشتراک، از رفتارهای باروری نسبتاً مشابهی برخوردارند. هم‌اکنون میزان موالید در کشورهای جهان سوم بین ۲۹ تا ۵۰

در هزار در نوسان است.

کشورهای جهان سوم به علت سطح بالای باروری، سیاست کنترل موالید را تجربه کرده و می‌کنند. در مقابل کشورهای پیشرفته به‌ویژه آن‌هایی که رشد منفی دارند سیاست افزایش سطح باروری را در پیش گرفته‌اند. در حال حاضر مسئله‌ی افزایش جمعیت همراه با مشکلات اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن به شکل حاد گریبان‌گیر اغلب کشورهای جهان به‌ویژه کشورهای در حال توسعه شده و به صورت یکی از مسائل روز این کشورها در آمده‌است زیرا رشد جمعیت در بسیاری از این کشورها آهنگی سریع‌تر از رشد امکانات اقتصادی و اجتماعی این کشورها دارد. بنابراین شناخت میزان جمعیت، رشد و ساختار سنی و جنسی آن و همچنین نحوه‌ی رسیدن به یک جمعیت متناسب و متعادل از طریق توزیع پراکندگی آن، علاوه بر این که یکی از عوامل مهم در برنامه‌ریزی‌هاست، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر نیز هست.

باروری مهم‌ترین عامل رشد جمعیت و تغییر ساختار آن محسوب می‌شود. کنترل و کاهش مستمر باروری منجر به سالخوردگی جمعیت می‌شود و عدم کنترل آن موجب جوانی جمعیت می‌گردد. با توجه به این که ما در ایران و به تبع آن در شهر نهاوند شاهد رشد سریع نسل جوان هستیم مطالعه‌ی باروری امری حیاتی است.

تحقیق حاضر در خصوص جمعیت و مسائل مربوط به آن است و در آن عوامل اقتصادی اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری (به‌عنوان مهم‌ترین جزء رشد جمعیت) مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

- موضوع تحقیق:

موضوع تحقیق، بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری زنان متأهل (۴۹-۱۵) ساله‌ی شهر نهاوند در سال ۱۳۷۶ است. بررسی میزان‌های باروری در کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد که میان وضعیت اقتصادی خانواده نظیر درآمد و هزینه، با میزان‌های باروری رابطه وجود دارد. به‌طوری‌که شرایط اقتصادی تا حدود زیادی می‌تواند باروری را تحت

تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر نظام ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه نیز رفتار باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و خانواده‌ها به طور قابل توجهی از ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه خودشان تبعیت می‌کنند و رفتار خود را در بسیاری از جنبه‌ها به ویژه باروری با آن معیاری منطبق می‌کنند که دیگر افراد جامعه از آن‌ها انتظار دارند.

مطالعات و بررسی‌ها نشان می‌دهند که میزان تحصیلات والدین، اشتغال زن و شهرنشینی از جمله سازوکارهای اجتماعی هستند که رفتار باروری را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. همچنین عوامل جمعیتی نظیر سن در هنگام ازدواج و در حال حاضر، ترکیب جنسی فرزندان، مرگ و میر کودکان از دیگر منابع شکل دهنده رفتار خانواده‌ها در زمینه باروری محسوب می‌شوند.

- اهمیت موضوع تحقیق:

رشد سریع جمعیت عاملی مهم و با‌اثر در امر توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه و از جمله در کشورمان به حساب می‌آید. رشد جمعیت تابعی از میزان موالید و مرگ و میر است (با کنترل مهاجرت) و آنچه در سال‌های اخیر باعث رشد سریع جمعیت در کشورهای در حال توسعه شده شکاف بین میزان موالید و مرگ و میر است. در این کشورها با توجه به پیشرفت‌های پزشکی و بهداشتی و با استفاده از فناوری و ارتباطات، میزان مرگ و میر کاهش چشمگیری داشته است. در حالی که میزان موالید تغییر نکرده و یا تغییر آن متناسب با تغییر میزان مرگ و میر نبوده است. بنابراین لازم است با توجه به عدم تناسب رشد بی‌رویه جمعیت با نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه مانند آموزش، مسکن، امکانات رفاهی، بهداشت و درمان و... برنامه‌ریزی دقیقی در زمینه تنظیم خانواده و کنترل رشد بی‌رویه جمعیت انجام گیرد. زیرا عدم برنامه‌ریزی لازم در این خصوص مشکلات فراوانی را برای جامعه پدید می‌آورد که اهم آن‌ها به شرح زیر خواهد بود.

۱- بالا بودن میزان باروری عمومی باعث جوانی جمعیت و افزایش جمعیت غیر فعال خواهد شد.

در نتیجه نیروی فعال جامعه کاهش می‌یابد و عواقب سوئی بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه بر جای خواهد گذاشت.

۲- بالا بودن میزان باروری باعث ازدیاد بُعد خانوار می‌گردد. در نتیجه سهم کم‌تری از درآمد خانوار به هر فرد در زمینه‌های مختلف از جمله تغذیه، آموزش، بهداشت و درمان و... می‌رسد.

۳- با توجه به عدم تناسب میان امکانات موجود در جامعه و رشد بی‌رویه جمعیت، سرویس‌دهی خدمات عمومی به حداقل خواهد رسید.

۴- بالا بودن میزان باروری عمومی زنان باعث می‌شود که دوران سنین فعالیت زنان با حاملگی‌های پی‌پی‌اچ همراه رود و از بازدهی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی محروم گردند.

۵- رشد بی‌رویه جمعیت و امکانات محدود آموزش و پرورش باعث رکود سطح کمی و کیفی تحصیلات در جامعه می‌شود.

۶- زیان‌های مکرر باعث ضعف سلامتی و حتی مرگ و میر مادران و کودکان خواهد شد.

با توجه به این موارد لازم است برنامه‌ریزی دقیقی در زمینه‌ی کنترل جمعیت صورت گیرد. بی‌شک شناخت ابعاد گوناگون مسئله‌ی باروری، راه را جهت تهیه طرح و تنظیم سیاست‌های جمعیتی در سطح برنامه‌ریزی کلان کشور هموار می‌کند. چنین سیاست‌گذاری‌هایی می‌باید مبتنی بر شناخت عواملی باشد که در زمان حاضر و در جامعه‌ی فعلی شناخته شده‌اند. بدون انجام مطالعاتی از این نوع دسترسی به طرحی که در صدد اصلاح، تغییر و یا کنترل الگوهای فعلی باروری باشد بعید به نظر می‌رسد.

- اهداف پژوهش

هدف اساسی در این بررسی مطالعه‌ی رابطه‌ی موجود بین میزان باروری و عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی است. در این تحقیق سعی شده است برخی عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری زنان متأهل ۴۹-۱۵ ساله شهر نهاوند شناسایی شود و سهم تأثیر هر کدام از این عوامل را در کاهش یا افزایش میزان باروری مورد مطالعه قرار دهیم.

سؤالات اساسی ما در این تحقیق عبارت‌اند از این‌که:

- ۱- آیا عوامل اجتماعی نظیر میزان تحصیلات والدین، اشتغال زن به فعالیت‌های خارج از منزل، محل تولد، بُعد خانوادگی والدین و... تأثیری در میزان باروری و ابعاد خانواده دارند یا خیر؟
- ۲- آیا عوامل اقتصادی مانند میزان درآمد و هزینه‌ی خانواده، طبقه‌ی اجتماعی و... بر میزان باروری خانواده تأثیر می‌گذارند یا خیر؟
- ۳- آیا عوامل جمعیتی نظیر سن زن در هنگام ازدواج، میزان مرگ و میر اطفال، ترکیب جنسی فرزندان، طول دوره‌ی زناشویی و... بر میزان باروری تأثیر دارند یا خیر؟

- روش بررسی:

در این تحقیق یک حوزه‌ی شهری از شهرستان نهاوند انتخاب شد تا چگونگی رابطه‌ی متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی آن با سطوح مختلف باروری زنان، مورد مطالعه قرار گیرد، بنابراین می‌توان گفت به دلیل این‌که تحقیق ما در یک مکان جغرافیایی خاص بوده و یک صفت خاص (باروری) از جامعه را مورد مطالعه قرار داده، یک نوع مطالعه‌ی موردی است که به صورت پیمایشی انجام گرفته است. گفتنی است هرچند مهم‌ترین قسمت روش‌شناسی در این تحقیق از نوع پیمایشی است، ولی ما از روش‌های دیگری مانند روش‌های اسنادی، تاریخی و توصیفی سود جسته‌ایم. در تحقیق پیمایشی به‌منظور دست‌یابی به شواهد و قرائن عینی و تجربی در خصوص موضوع مورد مطالعه، از این روش استفاده خواهد شد و ابزار گردآوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق، پرسش‌نامه (مجموعه سؤالات باز و بسته) است.

برای بررسی رفتارهای باروری در جامعه دو روش کلی وجود دارد: روش اول مقطعی است که نمونه از میان زنانی که به سن یائسگی رسیده‌اند انتخاب شود و با استفاده از روش گذشته‌نگر به بررسی وقایع باروری در این زمان پردازیم. در روش دوم که آن‌هم به صورت مقطعی و با روش گذشته‌نگر صورت می‌گیرد تاریخچه‌ی باروری زنانی را که هنوز در سنین باروری خود هستند، مورد بررسی و تحقیق قرار دهیم. در این تحقیق ما از روش دوم استفاده کرده و به بررسی باروری زنانی که هنوز در سن باروری هستند پرداخته‌ایم.

بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ جمعیت زنان متأهل همسر دار واقع در سنین ۴۹-۱۵

ساله‌ی شهر نهاوند ۱۱۵۱۹ نفر بوده است، که با روش‌های آماری از این تعداد ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه‌ی جامعه‌ی آماری به صورت تصادفی ساده انتخاب گردید، سپس پرسش‌نامه‌ها با توجه به جمعیت تحت پوشش هر مرکز بهداشتی درمانی بین پنج مرکز توزیع شد. رابط‌های بهداشتی این مرکز که کاملاً توجیه شده بودند اقدام به تکمیل پرسشنامه‌ها و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز نمودند. آنگاه عملیات لازم بر روی متغیرها جهت استفاده از برنامه‌ی SPSS انجام گرفت و پس از اجرا برنامه بر روی داده‌ها و توزیع فراوانی داده‌ها در قالب جداول یک بُعدی، دو بُعدی و چند بُعدی به انضمام عملیات آماری و آزمون‌های آماری در مراحل مختلف استخراج شد. سپس به تجزیه و تحلیل چند بُعدی متغیرها با استفاده از قابلیت‌های برنامه SPSS پرداختیم.

- فرضیات و نتایج به دست آمده :

برای این که به سؤالات تحقیق پاسخ دهیم، با استفاده از تحقیقات پیشین و مباحث نظری، فرضیاتی به شرح ذیل تنظیم و نتایج حاصله از هر فرضیه نیز به دنبال آن مطرح شده است.

۱- عوامل اجتماعی اقتصادی مد نظر در این بررسی تحصیلات زوجین، محل تولد آنان، محل سکونت در بخش‌های مختلف شهر، مشارکت زن در تصمیم‌گیری داخل منزل، میزان درآمد، اشتغال زنان و نوع شغل شوهران بوده است، به این شرح:

الف - بین تحصیلات والدین و میزان باروری رابطه وجود دارد. بدین معنی که با بالا رفتن سطح تحصیلات والدین میزان باروری کاهش پیدا می‌کند. دلایل این امر عبارت‌اند از این است که اشتغال به تحصیل باعث به تأخیر افتادن سن ازدواج می‌شود و از این طریق سال‌های زندگی زناشویی کاهش می‌یابد. هم‌چنین افراد تحصیل کرده در به کارگیری وسایل پیشگیری از حاملگی آگاهی بیشتری دارند. تحصیلات تمایل افراد را به زندگی بهتر افزایش و نگرش خانواده را در مورد ابعاد بالای خانواده تغییر می‌دهد. تحصیلات فرصت‌های بیشتری جهت اشتغال زن در محیط خارج از خانه فراهم می‌کند که این امر موجب کاهش باروری می‌شود.

در این تحقیق بین سواد زنان و میزان باروری رابطه‌ی معکوس وجود دارد.

به طوری که زنانی که میزان تحصیلات آنان مقطع ابتدایی بوده $۳۹/۷$ درصدشان دارای یک تا سه فرزند و $۵۳/۲$ درصدشان دارای چهار فرزند و بیش تر بوده اند. آنهایی که در مقطع سیکل و متوسطه بوده اند $۷۲/۶$ درصدشان دارای یک تا سه فرزند و فقط ۱۹ درصدشان دارای چهار فرزند و بیش تر بوده اند. کسانی که میزان تحصیلات آنها دیپلم و فوق دیپلم بوده ۸۶ درصدشان دارای یک تا سه فرزند و $۶/۵$ درصد دارای چهار فرزند و بیش تر بوده اند و آنهایی که در مقطع لیسانس تحصیل کرده اند هیچ کدام دارای چهار فرزند و یا بیش تر نبوده اند.

یافته های بررسی باروری جهانی مؤید آن است که با سوادی زنان تأثیر عمده ای بر استفاده ی آنان از وسایل پیشگیری و کاهش تعداد فرزندان دارد. به طور کلی سواد بیش تر به استفاده هرچه فزون تر از وسایل پیشگیری می انجامد. در اغلب تحقیقاتی که در زمینه ی باروری صورت گرفته است، با افزایش تحصیلات زوجین، تعداد فرزندان آنان کاهش یافته است.

هم چنین در این بررسی بین میزان تحصیلات مردان با تعداد فرزندان آنان رابطه معنی داری وجود دارد. یعنی در خانواده هایی که مرد دارای سواد بیش تری است تعداد فرزندان کم تر و بالعکس در خانواده هایی که مرد سواد کم تری دارد تعداد فرزندان بیش تر است. در بررسی حاضر مردانی که دارای تحصیلات ابتدایی بودند $۱۶/۲$ درصد دارای یک تا سه فرزند و $۶۱/۹$ درصد دارای چهار فرزند و بیش تر بوده اند و کسانی که سطح تحصیلاتشان در مقطع راهنمایی و متوسطه بوده $۲۵/۵$ درصد دارای یک تا سه فرزند و $۲۳/۲$ درصد دارای چهار فرزند و بیش تر و آنهایی که تحصیلاتی در سطح دیپلم داشته اند $۴۵/۳$ درصد دارای ۱ تا ۳ فرزند و $۱۲/۵$ درصد دارای چهار فرزند و بیش تر بوده اند و نهایتاً کسانی که دارای تحصیلات در مقطع لیسانس بوده اند $۱۲/۹$ درصد یک تا سه فرزند و $۲/۶$ درصد دارای چهار فرزند و بیش تر بوده اند.

در این تحقیق، رابطه ی معکوس سواد مردان و میزان باروری ملاحظه و تأیید می شود، اکثر تحقیقات خارجی و داخلی وجود رابطه ی معکوس را بین تحصیلات شوهران و میزان باروری زنان تأیید کرده اند. در این جا به تعدادی از تحقیقات داخلی اشاره می کنیم. تحقیقاتی که در شهرهای اردل، نیشابور، سنندج، رودهن، زاهدشهر و شهرک های یثرب قائم شهر، شهید انصاری رودسر و روستاهای دیناران و عشایر دیناران به عمل آمده همگی حکایت از رابطه ی

معکوس بین سواد شوهران و میزان باروری زنان دارند.

ب - محل تولد زنان می‌تواند با میزان باروری آنان رابطه داشته باشد. به طوری که زنان با منشأ تولد شهری نسبت به زنان با منشأ تولد روستایی دارای کودکان کم‌تری هستند. در خانواده‌های روستایی به سبب حاکمیت اقتصاد کشاورزی، تمایل بر افزودن به بُعد خانواده جهت افزایش نیروی کار وجود دارد. در حالی که در مناطق شهری میزان تولد به سبب توسعه اقتصادی و اجتماعی (صنعتی شدن، بالارفتن سطح تحصیلات، اشتغال زنان) بسیار اندک است. در این بررسی نیز بین محل تولد زنان و تعداد فرزندان آن‌ها رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد. بدین معنا زنانی که دارای یک تا سه فرزند بوده‌اند محل تولد $77/8$ درصدشان در شهر و تنها محل تولد $22/2$ درصدشان در روستا بوده است. ملاحظه می‌شود کسانی که منشأ تولد روستایی دارند دارای فرزندان بیش‌تری هستند تا کسانی که متولد شهر هستند.

ج - محل سکونت در نقاط مختلف شهر می‌تواند با میزان باروری رابطه‌ی معناداری داشته باشد. بدین معنا که سکونت در محلات مختلف شهر سطوح متفاوت باروری را در این محلات موجب می‌شود. در این بررسی با توجه به شناختی که از نظر تفاوت در موقعیت فرهنگی و اجتماعی مناطق مختلف شهر وجود دارد، کل شهر به سه منطقه‌ی خوب، متوسط و پایین تقسیم شده است. نتیجه‌ی بررسی نشان می‌دهد $48/8$ درصد زنانی که دارای یک تا سه فرزندند (فرزندکم) در منطقه‌ی خوب شهر سکونت داشته و $31/7$ درصد در منطقه‌ی پایین شهر و در مقابل زنانی که دارای چهار فرزند و بیش‌تر بوده‌اند (فرزند زیاد) فقط $20/2$ درصدشان در منطقه‌ی خوب شهر و $56/9$ درصدشان در منطقه‌ی پایین شهر سکونت داشته‌اند.

د - هرچه مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های داخل خانه بیش‌تر باشد تعداد فرزندان آنان کم‌تر است. اما از آن‌جایی که در جامعه‌ی ما مردان بیش‌تر تصمیم‌گیرنده بوده‌اند بی‌شک در خصوص تعداد فرزندان تصمیم و اراده‌ی آنان تأثیرگذار بوده است. در واقع چون بیش‌ترین مصائب بارداری مربوط به خانم‌هاست، خانم‌ها بیش‌تر تمایل به کاهش باروری دارند. ولی چون کم‌تر قدرت تصمیم‌گیری دارند، معمولاً به خواسته‌ی مردان که افزایش تعداد اولاد است تسلیم می‌شوند. البته در خانواده‌هایی که منشأ تصمیم‌گیری در داخل خانواده، زنان هستند در این

خصوصاً یعنی کاهش باروری نیز تصمیم گیرنده‌اند و کاهش باروری را موجب می‌شود. در این بررسی پس از تجزیه و تحلیل آماری در جامعه‌ی مورد بررسی یعنی شهر نهاوند، رابطه معناداری بین نحوه‌ی مشارکت زنان در تصمیم‌گیری و تعداد فرزندان مشاهده نشد. شاید علت این مسئله در آن باشد که امروزه به علت فشارهای اقتصادی مردان و زنان، هر دو مصمم به کنترل موالید و کاهش آن هستند.

ه - اشتغال به فعالیت‌های خارج از خانه موجب کاهش باروری می‌شود. اشتغال به کارهای خارج از منزل مستلزم رعایت ضوابطی است که به طور مثال می‌توان از الزام به حضور به موقع در محل کار، سپری نمودن ساعاتی از روز در خارج از منزل، برخورداری از درآمد و حقوق بازنشستگی. در نزد زنان شاغل، فرزندان نه تنها به عنوان یک منبع اقتصادی قلمداد نمی‌شود بلکه سرپرستی و نگهداری از آن‌ها با صرف زمان و هزینه‌های اقتصادی همراه است. درحالی‌که زنان خانه‌دار بیش از زنان شاغل در مورد ارزش اقتصادی فرزندان تأکید دارند. برای زنان خانه‌دار فرزندان، تأمین اجتماعی زمان پیری و بازنشستگی محسوب می‌شوند.

در بررسی باروری شهر نهاوند بین اشتغال زنان در خارج از منزل با میزان باروری آنان رابطه وجود دارد. یعنی زنانی که شاغل بوده‌اند دارای میزان باروری کم‌تری نسبت به زنان غیر شاغل بوده‌اند. بالعکس زنان غیر شاغل (خانه‌دار) دارای باروری بالاتری بوده‌اند.

از کل زنان شاغل نمونه‌ی آماری ما $77/3$ درصد دارای یک تا سه فرزند (فرزند کم) و $11/3$ درصد دارای چهار فرزند و بیش‌تر بوده‌اند (فرزند زیاد). در صورتی‌که زنان خانه‌دار 57 درصدشان دارای یک تا سه فرزند (فرزند کم) و $34/3$ درصد دارای چهار فرزند و بیش‌تر بوده‌اند (فرزند زیاد).

بررسی‌های متعددی که از سوی محققان انجام شده‌است عموماً اثر اشتغال زنان را بر باروری تأیید می‌کنند. مطالعات انجام شده توسط بُن پُرات، مارتین دولی و گلن - گک - گالین از دانشگاه شیکاگو، دفتر جمعیت‌شناسی سازمان ملل متحد، مؤسسه‌ی تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران و مرکز آمار، وجود رابطه‌ی بین اشتغال زنان و کاهش باروری را تأیید کرده‌اند. پس عامل اشتغال به‌عنوان یک سمبل و نماد تجدد موجب بهبود وضع زنان شده‌است و

بر تعداد فرزندان یا کاهش میزان باروری آنها اثر می‌گذارد. زمانی که زن کار می‌کند نقش او به عنوان کارگر یا کارمند با نقش او به عنوان مادر تضاد پیدا می‌کند و کم‌تر بودن تعداد فرزند از فشاری که این تضاد به وجود می‌آورد می‌گاهد.

و - میزان درآمد خانواده می‌تواند با میزان باروری رابطه داشته باشد. خانواده‌هایی که از درآمد بالایی برخوردارند تمایل به بچه‌ی کم‌تر دارند تا بتوانند با افزایش تحصیلات آنان کیفیت را جایگزین کمیت کنند. ولی خانواده‌های کم درآمد اطفال را به عنوان نوعی سرمایه‌ی اقتصادی قلمداد می‌کنند و از سنین پایین از نیروی کار آنان استفاده می‌کنند. در این بررسی پس از جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل آماری بین دو متغیر فوق یعنی میزان درآمد و میزان باروری رابطه‌ی معنی‌داری مشاهده نشد. گرچه در تحقیقی که آقایان دکتر آقاجانیان و منصور یوسفی‌زاده در زمینه‌ی باروری و مصرف در مناطق روستایی استان فارس انجام داده‌اند درآمد به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده سطح باروری و در ارتباط مستقیم با شاخص‌های باروری دانسته شده است. اما در اکثر مطالعات بین درآمد و باروری رابطه‌ی معناداری مشاهده نشده است.

ز - نوع شغل شوهران بر باروری زنان تأثیر دارد. در این بررسی مشاغل همسران زنان مورد مطالعه شهر نهاوند در سه مقوله‌ی کارکنان دولت، کسبه و کشاورزان و کارگران طبقه‌بندی گردید. آنگاه با در ارتباط قرار دادن نوع شغل و میزان باروری خانواده به این نتیجه رسیدیم که بین این دو متغیر رابطه‌ی معناداری وجود دارد. کسانی که سرپرست خانواده‌ی آنها کارکنان دولت بود $73/4$ درصدشان دارای یک تا سه فرزند (فرزندکم) و $16/3$ درصد دارای چهار فرزند و بیش‌تر بوده‌اند (فرزندزیاد). آن‌هایی که کاسب بودند $59/2$ درصد دارای یک تا سه فرزند (فرزندکم) و $31/8$ درصد دارای چهار فرزند و بیش‌تر بوده‌اند و نهایتاً کسانی که شغلشان کشاورز و کارگر بوده $43/1$ درصد دارای یک تا سه فرزند (فرزندکم) و $48/2$ درصد دارای چهار فرزند و بیش‌تر بوده‌اند.

بخشی از مطالعات و پژوهش‌های داخلی نیز وجود رابطه‌ی بین نوع شغل و تعداد فرزندان را تأیید کرده‌اند. از جمله تحقیقی که توسط مرکز آمار ایران در سال ۱۳۵۶ تحت عنوان بررسی باروری ایران انجام شد، نشان داده است که شوهرانی که درآمد، شغل و موقعیت اجتماعی

بالا تری داشته اند متوسط تعداد فرزندان آن ها کم تر از شوهرانی است که در گروه های شغلی دیگر قرار دارند. هم چنین تحقیقی که در سال ۱۳۷۳ در شهرک های یثرب قائم شهر و شهید انصاری رودسر انجام گرفته بین نوع شغل مردان و تعداد فرزندان رابطه معنی داری وجود داشته است.

۲- عوامل جمعیتی مد نظر در این بررسی عبارت اند از:

سن زنان در اولین ازدواج، ترکیب جنسی فرزندان خانواده، مرگ و میر اطفال، طول مدت ازدواج و بُعد خانوار والدین زوجین

الف - سن زن در هنگام اولین ازدواج عامل مؤثری در میزان باروری است و این عامل تأثیر معکوس بر روی باروری دارد. از این رو با افزایش سن ازدواج زن میزان باروری او کاهش می یابد. این عامل از دو جهت با باروری در ارتباط است. هرچه سن ازدواج پایین تر باشد، طول مدت باروری افزایش می یابد و از این طریق زنان در استفاده از توان بالقوه ی باروری خود شانس بیشتری خواهند داشت.

از سوی دیگر سن ازدواج در تصمیم گیری افراد برای استفاده از وسایل پیشگیری مؤثر است. زیرا زنانی که در سنین بالا ازدواج می کنند کنترل بیش تری بر رفتار باروری خود دارند. در این بررسی کسانی که سن آنان موقع ازدواج ۱۵ سال و کم تر بوده است. $4/40$ درصدشان دارای یک تا سه فرزند (فرزند کم) و $8/52$ درصدشان دارای چهار فرزند و بیش تر بوده اند (فرزند زیاد). هم چنین کسانی که سن آنان هنگام ازدواج ۱۶ تا ۱۹ سال بوده $9/59$ درصدشان دارای یک تا سه فرزند و $8/30$ درصد دارای چهار فرزند و بیش تر بوده اند و زنانی که سن آنان در حین ازدواج از ۲۰ سال به بالا بوده $2/77$ درصدشان دارای یک تا سه فرزند و $8/12$ درصد دارای چهار فرزند و بیش تر بوده اند.

ملاحظه می شود هرچه سن زنان هنگام ازدواج بیش تر بوده تعداد فرزندان کم تری به دنیا آورده اند. نتایج تحلیل های آماری نیز وجود رابطه ی معنی دار را بین سن زن هنگام ازدواج و میزان باروری نشان می دهد.

ب - نحوه ی ترکیب جنسی فرزندان می تواند با میزان باروری رابطه داشته باشد. بدین معنا که خانواده هایی که ترکیب جنسی فرزندان آن ها متعادل (بالانس) بوده است، تمایل کم تری به ادامه ی

باروری دارند. در مقابل خانواده‌هایی که ترکیب جنسی فرزندان آن‌ها متعادل نبوده‌است و فقط صاحب فرزندان دختر یا پسرند، تمایل بیش‌تری به ادامه باروری خواهند داشت.

در این بررسی، زنانی که دارای یک تا سه فرزند بوده‌اند ۴۰ درصدشان اظهار نموده‌اند که ترکیب جنسی فرزندانشان متعادل است و ۶۰ درصدشان این ترکیب را غیر متعادل دانسته‌اند. کسانی که دارای چهار فرزند و بیش‌تر بوده‌اند ۹۳ درصدشان اظهار داشته‌اند که ترکیب جنسی فرزندانشان متعادل است و ۷ درصد آن را غیر متعادل دانسته‌اند. نتایج تحلیل آماری به وسیله‌ی آزمون‌های آماری نیز وجود رابطه‌ی معنی‌داری بین ترکیب جنسی فرزندان و میزان باروری را نشان می‌دهد. در واقع با افزایش تعداد فرزندان ترکیب جنسی فرزندان متعادل خواهد شد.

ج - میزان مرگ و میر اطفال نیز می‌تواند با میزان باروری زنان رابطه‌ی معنی‌داری داشته باشد. در جوامعی که مرگ و میر اطفال بالاست تعداد مولید بیش‌تری مورد نیاز است تا والدین بتوانند به سطح معینی از کودکان دست یابند. کاهش مرگ و میر کودکان به کاهش نرخ زاد و ولد کمک می‌کند. زیرا اعتماد والدین را به ثبات ساختار خانواده افزایش می‌دهد. بنا به گزارش سال ۱۹۹۱ م. برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل، ممکن است تصور شود در صورت بقای کودکان، مشکل جمعیت وخیم‌تر گردد و حال آن‌که کاملاً برعکس است. وقتی والدین از زنده ماندن کودکانشان اطمینان یابند زاد و ولدشان کم می‌شود.

در این تحقیق زنانی که یک تا سه فرزند داشته‌اند ۱۰ درصدشان اظهار داشته‌اند که از فرزندان آنان فوت شده است. پس ملاحظه می‌شود که مرگ و میر کودکان با میزان باروری رابطه‌ی مستقیم دارد. بدین معنا که هرچه تعداد مرگ و میر بیش‌تر باشد زنان تعداد بیش‌تری بچه به دنیا می‌آورند. نتایج چند بررسی که در سال‌های ۷۴ و ۷۵ در شهرهای اردل و روستاهای دیناران و عشایر دیناران و شهر سنندج در مورد باروری زنان به عمل آمده همگی حاکی از وجود رابطه‌ی معنی‌دار بین مرگ و میر کودکان و تعداد فرزندان است.

د - طول مدت ازدواج نیز می‌تواند با میزان باروری رابطه داشته باشد. در این صورت هرچه طول مدت ازدواج بیش‌تر باشد تعداد فرزندان به دنیا آمده نیز بیش‌تر خواهد بود. در این تحقیق

کسانی که طول مدت ازدواج آن‌ها از یک تا ده سال بوده $۷۷/۹$ درصدشان دارای یک تا سه فرزند و فقط $۱/۸$ درصدشان دارای چهار فرزند و بیش‌تر بوده‌اند و زنانی که طول مدت ازدواج آنان بین ۱۱ تا ۱۵ سال بوده $۸۳/۵$ درصد دارای یک تا سه فرزند، $۱۳/۹$ درصد دارای چهار فرزند و بیش‌تر و نهایتاً کسانی که طول مدت ازدواج آن‌ها از ۱۶ سال به بالا بوده $۳۴/۸$ درصد دارای یک تا سه فرزند و ۶۴ درصدشان دارای چهار فرزند و بیش‌تر بوده‌اند.

پس ملاحظه می‌شود که هرچه طول مدت ازدواج بیش‌تر می‌شود میزان باروری نیز بالاتر می‌رود. نتایجی نیز که به وسیله‌ی آزمون‌های آماری به دست آمده است از رابطه‌ی معنی‌دار بین دو متغیر فوق‌خبر می‌دهد. تحقیقات پیشین نیز این رابطه را تأیید می‌کند. به طوری که نتایج به دست آمده از بررسی باروری در شهرک کیان‌شهر تهران نشان می‌دهد که بین تعداد فرزندان به دنیا آمده و طول مدت ازدواج رابطه معنی‌دار وجود داشته است.

هـ. بُعد خانوار پدری زن و شوهر می‌تواند با میزان باروری رابطه داشته باشد. خانواده‌هایی که دارای ابعاد گسترده‌ای هستند رفتار باروری خود را تا حدود زیادی به فرزندان خود منتقل می‌کنند. در این بررسی نتایجی که از آزمون‌های آماری به دست آمده است حکایت از آن دارد که بین خانوار پدری زن و میزان باروری رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. ولی بُعد خانوار پدری شوهر حداقل در این تحقیق هیچ‌گونه رابطه‌ی معنی‌داری را با میزان باروری نشان نمی‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری :

با توجه به نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل دو بُعدی متغیرها و همچنین تجزیه و تحلیل چند بُعدی متغیرها و با عنایت به اهداف این پژوهش که شناسایی برخی از عوامل مؤثر بر میزان باروری به منظور برنامه‌ریزی در جهت کاهش آن در جامعه‌ی نیاوند است پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود.

۱- در این پژوهش رابطه‌ی معنی‌دار بین میزان سواد مردان و به‌ویژه زنان با میزان باروری تأیید شده است بنابراین سواد در سطح جامعه به ویژه زنان می‌تواند نقش مؤثری در کاهش سطح باروری داشته باشد.

البته ناگفته نماند در سال‌های اخیر با فعالیت چشمگیر نهضت سوادآموزی منطقه و دیگر مراکز آموزشی میزان با سوادی زنان جامعه‌ی مورد مطالعه از ۵۷/۷ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۷۸/۸ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. بی شک تداوم کلاس‌های نهضت می‌تواند بی‌سوادی را ریشه‌کن سازد و با سواد شدن همه‌ی زنان شهر می‌تواند نقش مؤثری در کاهش میزان باروری داشته باشد.

۲- در این پژوهش بین اشتغال زنان و میزان باروری آن‌ها رابطه‌ی منفی مشاهده شده است. یعنی زنانی که شاغل بوده‌اند دارای فرزندان کم‌تری بوده‌اند تا زنان خانه‌دار. پس اشتغال زنان در فعالیت‌های خارج از منزل می‌تواند بر کاهش میزان باروری مؤثر باشد. بر همین اساس و با توجه به این‌که نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند و با عنایت به نتایج حاصله از این پژوهش که فقط ۲۴ درصد زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خارج از منزل اشتغال داشته‌اند، لذا با فراهم شدن زمینه‌ی مشارکت هرچه بیشتر زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خارج از منزل، هم از استعداد بالقوه آن‌ها در جهت توسعه و سازندگی منطقه استفاده خواهد شد و این‌که با ایجاد اشتغال برای آنان زمینه‌ی کاهش باروری فراهم خواهد شد.

۳- در این پژوهش بین طول مدت ازدواج و میزان باروری آن‌ها رابطه‌ی مستقیم وجود داشته است؛ یعنی هرچه طول مدت ازدواج بیشتر بوده میزان باروری هم بالاتر بوده، به عبارت دیگر، زنانی که زودتر ازدواج کرده‌اند دارای باروری بیش‌تری بوده‌اند و معمولاً کسانی زودتر تصمیم به ازدواج می‌گیرند که امید به ارتقای اجتماعی کم‌تر دارند. بر این اساس ایجاد فرصت‌های یک‌سان و امکان ارتقای اجتماعی برای زنان جامعه موجب می‌شود که آنان برای رسیدن به مراتب اجتماعی بالاتر تصمیم به ازدواج را به تأخیر اندازند و با اشتغال به تحصیل خود را برای رسیدن به مدارج علمی بالاتر آماده‌کنند. در نتیجه طول مدت ازدواج این گروه از زنان کاهش می‌یابد و به تبع میزان باروری آن‌ها نیز پایین خواهد آمد.

۴- وجود رابطه‌ی معنی‌دار بین مرگ و میر کودکان و میزان باروری زنان مؤید این نکته است که کاهش مرگ و میر کودکان می‌تواند به کاهش نرخ زاد و ولد کمک مؤثر نماید. زیرا این امر موجب افزایش اعتماد والدین به ثبات ساختار خانواده و عدم نیاز به زاد و ولد زیاد جهت جبران احتمالی از

دست دادن فرزندان می‌شود. از این رو توسعه‌ی هرچه بیشتر خدمات بهداشتی می‌تواند این اعتماد را در والدین جامعه‌ی مورد مطالعه به وجود آورد تا آن‌ها با حصول اطمینان از زنده ماندن فرزندانشان کنترل موالید را رعایت نمایند.

۵- نظر به این‌که استفاده از وسایل پیشگیری می‌تواند بر کاهش میزان باروری مؤثر باشد و با عنایت به نقش مؤثر صدا و سیما در جهت آگاهی دادن به خانواده‌ها در خصوص آشنایی با وسایل پیشگیری، پیشنهاد می‌شود این رسانه اقدامی جدی به عمل آورد. نتایج حاصله از این پژوهش حاکی از آن است که فقط شش درصد زنان نمونه‌ی آماری اظهار داشته‌اند که از طریق وسایل ارتباط جمعی با وسایل پیشگیری آشنا شده‌اند. لذا با توجه به مراتب فوق و در دسترس بودن این رسانه‌ی ارتباط جمعی، مسئولین ذی‌ربط می‌توانند با دعوت از پزشکان و کارشناسان مجرب خانواده‌ها به ویژه زنان را از مضرات بارداری‌های مکرر و مستمر آگاه و آن‌ها را با انواع وسایل پیشگیری آشنا نمایند.

۶- این پژوهش، رابطه‌ی بین نحوه‌ی ترکیب جنسی فرزندان را با میزان باروری، معنی‌دار نشان داده‌است. از این رو خانواده‌ها برای رسیدن به ترکیب جنسی متعادل، باروری را ادامه می‌دهند تا به ترکیب دلخواه خود برسند.

این موضوع ریشه در فرهنگ جامعه دارد که فرزند پسر را بر دختر ترجیح می‌دهند و رسیدن به جنس پسر را تعادل در ترکیب جنسی می‌دانند. لذا مسئولین ذی‌ربط جامعه می‌بایست بستر رشد و شکوفایی استعدادها را برای هر دو جنس، مخصوصاً برای دختران فراهم نمایند تا امکان ترقی و پیشرفت آنان در عرصه‌های مختلف اجتماع فراهم شود. قطعاً با ایجاد چنین بستری می‌توان ذهنیت تبعیض جنسی بین فرزندان را، که از گذشته‌های دور به ارث رسیده، زدود و خانواده‌ها وقتی احساس کنند که شرایط و امکانات ترقی و تعالی هر دو جنس یکسان است برای آن‌ها نیز مسئله‌ی تبعیض جنسی مرتفع خواهد شد.

۷- با توجه به تأثیر نوع شغل همسر بر میزان باروری زنان و نقش مؤثر مردان در تصمیم‌گیری‌های داخل خانواده لازم است که مراکز بهداشتی، مردان شاغل در کارخانه‌ها و ادارات و سایر مراکز شغلی و هم‌چنین کشاورزان را با برنامه‌ریزی‌های لازم آموزش دهند و آن‌ها را از منافع کنترل

موالید و مضرات افزایش موالید آگاه نمایند.

۸- نتایج حاصله از تحلیل دو متغیره‌ی این پژوهش رابطه‌ی بین سکونت در محلات مختلف شهر و میزان باروری را معنی‌دار دانسته است. بنابراین کسانی که در محلات پایین شهر (مثل مناطق پای قلعه، مهدیه، دستغیب و جوادیه) زندگی می‌کنند دارای باروری بالاتری بوده‌اند. لذا پیشنهاد می‌شود که مراکز آموزشی و بهداشتی شهر خدمات آموزشی و بهداشتی خود را در این مناطق توسعه دهند و توجه ویژه‌ای به این مناطق داشته باشد.^{۱۱}

برخی از منابع مورد استفاده به شرح زیر است:

- آشفته تهرانی، امیر، جامعه‌شناسی و آینده‌نگری جمعیت ایران، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۴
- آمارنامه‌ی استان همدان، انتشارات سازمان برنامه و بودجه استان همدان، ۱۳۷۴
- افشارپور، سیاوش، «عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر باروری زنان ۴۹-۱۵ ساله‌ی متأهل شهرستان اقلید»
- ارلیش (پل)، ارلیش (آن) «انفجار جمعیت» مترجمان نادر وزین پور، سیما روحانی، تهران، انتشارات معین، ۱۳۷۳
- بهنام، جمشید، «جمعیت‌شناسی عمومی» جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران، بهمن‌ماه ۱۳۴۸
- پایدارفر، علی‌اکبر، «پدیده نوگرایی و رابطه‌ی آن با میزان باروری» یک بررسی مقدماتی از ساکنین شهر و روستاها و عشایر استان فارسی، دانشگاه شیراز، مرکز جمعیت‌شناسی، ۱۳۵۴ -
- پرسا، رولان، «جمعیت‌شناسی آماری» ترجمه‌ی محمدسید میرزایی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱
- پور انصاری، زهرا و ناصری، علی، «باروری و جمعیت» فدراسیون بین‌المللی زنان و شوروی

۱ - مقاله‌ی حاضر خلاصه‌ای از پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی است از آقای کاووس احمدوند، تحت عنوان «عوامل اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری شهر نهاوند» که توسط نویسنده‌ی محترم تهیه شده و در اختیار فصل‌نامه‌ی فرهنگیان قرار گرفته است. با تشکر «فرهنگیان»

- جمعیت نیویورک، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸
- تقوی، نعمت الله، «مبانی جمعیت شناسی»، تبریز، انتشارات نیما، ۱۳۶۹
- تمنا، سعید، «مبانی جمعیت شناسی»، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۵
- جهانفر، محمد و مشکانی، محمدرضا، «نقش تنظیم خانواده در جمعیت» مجموعه‌ی مقالات سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، جلد دوم، ۱۳۷۰
- حجتی شرق، علی، «بررسی تأثیر آموزش زوجین بر باروری کارگران و فرهنگیان شهر نیشابور (پایان نامه)»، دانشگاه تهران، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، ۱۳۷۰
- دایرة المعارف لاروس، «جمعیت و جمعیت شناسی»، ترجمه‌ی حبیب‌اله زنجانی، تهران مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۸
- سرایی، حسن، «مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق»، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۲
- شلمانی، علیرضا، «عوامل اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری» در شهرک شهید انصاری رودسر، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، ۱۳۷۳
- شیخی، محمدتقی، «تحلیل و کاربرد جمعیت شناسی»، انتشارات اشراقی، ۱۳۷۱
- عبدی، عباس، «آزمون فرضیه در علوم رفتاری»، تهران، نشر حنا، ۱۳۷۰
- کاظمی پور، شهلا، «روش‌های مقدماتی تحلیل جمعیت»، از انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲
- کتابی، احمد، «نظریات مهم جمعیت»، انتشارات اقبال، ۱۳۷۰
- گزارش اجتماعی-اقتصادی شهرستان نهاوند، سازمان برنامه و بودجه‌ی استان همدان، ۱۳۷۵
- میرزایی، محمد، جزوه‌ی درسی ضمیمه‌ی باروری، دوره‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، ۱۳۷۵